



همراه با اندیشه‌های امام خمینی (ره) در شناخت عظمت انقلاب و

آفات و موانع راه انقلاب اسلامی

و ضرورت استحکام پیوند و تعامل قدرت و عقلانیت دستاوردهای نهضت امام خمینی (ره)

اشاره:

انقلاب اسلامی ایران که همه معادلات جهان را به هم ریخت و قدرت‌های استعماری را به هراس افکند و خواب خوش را از چشمان ناپاکشان ربود، با دست توانای بزرگمردی از سلسله احیاگران دین و مصلحان و انقلاب‌گران تاریخ یعنی حضرت امام خمینی (ره) آغاز گردید و همچون طوفانی سهمگین طومار استعمار خارجی و استبداد داخلی را در هم پیچید و در مقابل دیدگان حیرت‌زده جهانیان رژیم سفاک و سراپا مسلح پهلوی را که از جانب قدرت‌های استکباری و در رأس آنان مثلث شوم آمریکا، انگلیس و اسرائیل حمایت همه جانبه می‌شد، منهدم ساخت.

اهمیت انقلاب شکوهمند اسلامی که دستاورد میلیون‌ها انسان ارزشمند و هزاران شهید جاوید آن و آسیب‌دیدگان عزیز، این شهیدان زنده است و مورد امید میلیون‌ها مسلمان و مستضعفان است، به قدری است که ارزیابی آن از عهده قلم و بیان والاتر و برتر است (۱). حضرت امام خمینی (ره) یکی از بزرگ‌ترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی را پشتیبانی خداوند متعال از آن و علت پیروزی این نهضت را حمایت‌های نیروی غیبی الهی از آن دانسته و می‌فرمایند:

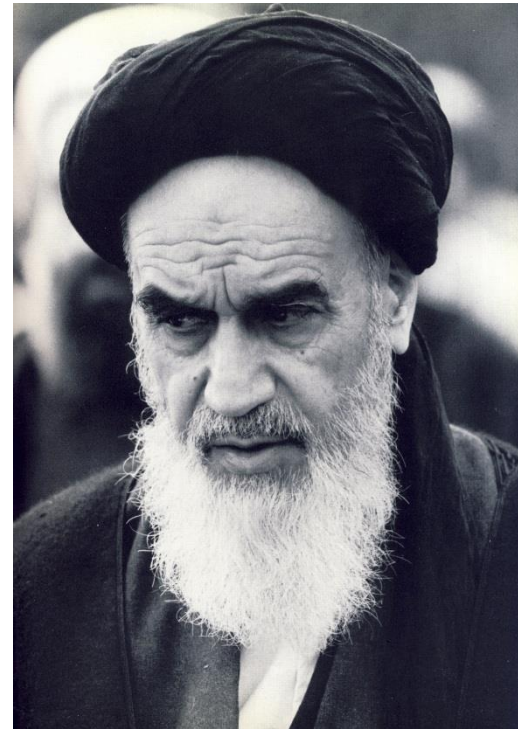
ما می‌دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهان‌خواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد، با تاییدات غیبی الهی پیروز گردید (۲). همچنین امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی را غیر قابل مقایسه با انقلاب‌های جهان و دارای تفاوت آشکار در پیدایش و انگیزه و کیفیت و هدف معرفی می‌کنند: انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جداست، هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام (۳).

بازگشت به خویشتن اسلامی، عزت و کرامت، حضور در عرصه‌های سیاسی برای تعیین سرنوشت خویش، تعامل صمیمانه و متواضعانه حاکمان و مردم، رفع استعمار فرهنگی و حاکمیت بخشی به فرهنگ جامع و رهایی‌بخش اسلامی، مقابله با تنگناهای اقتصادی و معیشتی مردم و استقرار عدالت اجتماعی، قانون‌گرایی و تساوی دولتمردان اسلامی با همه اقشار ملت در عمل به قانون و پذیرش حاکمیت قوانین اسلامی در قضا، ارزش‌گذاری به آراء مردم و تسلیم در برابر مطالبات و درخواست‌های آنان که خاستگاه شرعی و قانونی دارد و مبتنی بر اصول و معیارهای قانون اساسی، به عنوان خون‌بهای شهیدان انقلاب، می‌باشد و ... از جمله آثار دیگر نهضت بزرگ اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) می‌باشد.

امام خمینی (ره) با توجه به همه ارزش‌های نهفته در انقلاب اسلامی و آثار و ثمراتی که بر آن مترتب می‌باشد، بارها از عظمت و جامعیت این نهضت الهی سخن گفته است و از آن جمله اعلام می‌کند:

استقلال که بزرگ‌ترین ارمغان و شریفترین موهبت انقلاب الهی امام خمینی (ره) به ملت مسلمان ایران بود، باعث شد سیطره مرگ-بار آمریکا و مهره دست نشانده‌اش محمدرضا پهلوی از بین برود و حاکمیت مطلق مستشاران و عوامل استکبار بر فرهنگ، سیاست، اقتصاد و ارتش و نیروهای مسلح ایران قطع گردد و از این پس اسامی عوامل آمریکا و انگلیس از سفارتخانه‌های این کشورها برای به دست گرفتن قوای سه گانه مقننه، قضائیه و مجریه ایران بیرون نیایند و مردم در تعیین سرنوشت خویش مشارکت ورزند.

آزادی ارمغان بزرگ دیگری است که در پرتو انقلاب اسلامی به دست آمد و نقش و ارزش آن در وصف نمی‌گنجد، زیرا بدون این نعمت، تصور زندگی سالم و سعادت‌مند و همراه با آرامش و امنیت، امکان‌پذیر نمی‌باشد و در واقع امام خمینی (ره) یک ملت بزرگ را از وحشت‌آورترین اسارت‌ها و اختناق‌ها نجات داد و در فضای طراوت‌زای آزادی به استشمام رایحه‌های دل‌انگیز آرامش و رهایی از بندها و زنجیرها به زندگی سالم و نشاط‌آور رساند.



امام خمینی (ره) شناسایی ماهیت رژیم سفاک پهلوی را که پنجاه سال با حاکمیت رضاخان و پسرش محمدرضا بر ملت ایران حاکم شدند و جنایت و خیانت و ظلم و فساد و تباهی در ابعاد وسیع بر جای نهادند و استعمارگران خارجی را بر سرنویشت مردم محروم، مسلط و غالب گرداندند، لازم و ضروری می‌دانستند و آن را پشتوانه بینش سیاسی و شناخت و آگاهی‌های حیاتی برای زمامداران اسلامی تلقی می‌کردند.

پشتوانه بینش سیاسی برای زمامداران به این دلیل ضروری و حیاتی است که آنان با تکیه زدن بر اریکه‌های قدرت و ریاست، بدانند که نباید تحت تاثیر جاذبه‌های حکومت قرار گیرند و خود را گم کنند و مقامات و مناصب را هدف برای تحقق آمال نفسانی و مطامع سیاسی و اقتصادی و گروهی خویش سازند، بلکه اولاً فریب جاذبه‌ها را نخورند و به دام نفسانیت‌ها گرفتار نیایند، ثانیاً قدرت و ریاست را ابزار قرار دهند برای خدمت به جامعه و رفع مشکلات و رنج‌های مردم.

امروز دوست و دشمن معترف هستند که رهبری‌های جامع و دقیق و هوشمندانه حضرت امام خمینی (ره) باعث شد که انقلاب اسلامی ایران از گردنه‌های سخت و نفس‌گیر عبور کند و فراز و نشیب‌های مختلف را پشت سرگذارد و موانع گوناگون و حصارهای سخت را درهم شکنند، و اگر نبود افکار بلند و خصال والا و مدیریت توانمند و برنامه‌ریزی‌ها و رهنمودهای این پیشوای بزرگ الهی، هرگز امکان نداشت این حرکت و نهضت به ثمر برسد.

همان‌گونه که اندیشه‌های ژرف و افکار بلند و رهنمودهای رهایی‌بخش امام خمینی (ره) عامل محوری هدایت و پیروزی انقلاب بود، استمرار انقلاب و تداوم آثار و ثمرات آن در داخل و خارج نیز با این اندیشه‌ها و رهنمودها امکان‌پذیر می‌شود و از همین روست که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای، امام خمینی (ره) را حقیقت همیشه زنده می‌نامند و تفکرات و رهنمودهایش را مشعل راه انقلاب و نظام معرفی می‌کنند.

با توجه به حقایق مورد اشاره، تردیدی وجود ندارد که امروز و هر روز، برای تداوم انقلاب و بقای نظام، اندیشه‌ها و سیره و روش‌های امام خمینی (ره)، راهنما و مقصد رسان می‌باشد و در پرتو این تفکرات و عملکردهاست که هم می‌توانیم عظمت انقلاب اسلامی را بشناسیم و هم به آسیب‌شناسی آفات و موانع راه پردازیم، و امام خمینی (ره) در هر دو موضوع راه امروز و آینده ما را روشن می‌کند.

در نگاه ژرف امام خمینی (ره)، بهره‌وری از نیروی عقل و فرد عامل مهمی در استفاده صمیمی از قدرت و پرهیز از نمایش‌های نفسانی قدرتمندان و باعث جلوگیری از سقوط جاه‌طلبان و ریاست‌فروهان در دام نفسانیت‌های گوناگون می‌شود

این عقلانیت همان نیروی پاک و راهنمایی است که خاستگاه الهی و معنوی دارد و در متون فرهنگ اسلامی چنین عقلی رسول و پیک خداوند نام می‌گیرد: العقل رسول الحق؛ عقل، رسول و فرستاده حق تعالی می‌باشد(۴).

همچنین این عقلانیت، سرچشمه همه خیرها و نیکی‌ها معرفی می‌شود (العقل ینبوع الخیر) (۵) و از آنجا که علوم و دانش‌ها در پرتو کنکاش‌ها و تحقیق‌ها به دست می‌آید و این عمل خاستگاه مطالعه و اندیشه‌ورزی و نقد و بررسی‌های عمیق می‌باشد و این مطالعات و بررسی‌ها نیز ریشه در تعقل صحیح دارد، در متون دینی تصریح می‌شود که: العقل اصل العلم؛ عقل، ریشه علم و دانش است(۶).

امام خمینی (ره) علت اصلی و اولیه جنایات و خیانت‌های رضاخان و پس از او فرزندان محمدرضا را نداشتن نیروی تعقل سالم و صحیح می‌داند و در تشبیه و تمثیلی بسیار عمیق، فقدان عقلانیت در این صاحبان قدرت و حکومت را عامل کشتارها و فجایع و فسادهای این دو عنصر سفاک معرفی می‌کند و چنین می‌فرماید:

مرحوم مدرس به رضاخان، پدر این خان، گفته بوده است که من شنیدم که شیخ الرییس (۷) گفته من از گاو می‌ترسم، برای این‌که اسلحه دارد و عقل ندارد.

از اول، بشر مبتلای به همین بوده که اسلحه در دست اشخاص ناصالح بوده است. از اولی که بشر تمدن پیدا کرد به خیال خودش، اسلحه‌ها در دست ناصالح‌ها بوده و همه مشکلات بشر همین معناست. تا خلع سلاح نشوند این اسلحه‌دارهای ناشایسته، کار بشر سرانجام پیدا نمی‌کند. انبیا هم آمدند که این اسلحه‌دارهای بی‌صلاحیت بی‌عقل را خلع سلاح کنند و نتوانستند، آنها قلدر بودند. در هر عصری هم اشخاص لایق که خواستند این اسلحه را از نالایق‌ها بگیرند و دست بگیرند، موفق نشدند، و این اسلحه در دست نالایق‌ها و بی‌عقل‌ها و غیر صالح‌ها بود... و با این اسلحه‌ها چه جنایت‌ها که واقع شده است (۸).

حضرت امام خمینی (ره) ضمن اشاره به این واقعیت که در مواردی اندک و نادر، اسلحه در دست صالحان و عاقلان قرار گرفته که البته نمونه‌های آن در تاریخ صدر اسلام و مقاطعی پس از آن ثبت شده است، به جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم و به ویژه جنایات صورت گرفته در ویتنام اشاره می‌کند و آنها را مصادیقی از قرار گرفتن اسلحه به دست صاحبان قدرتی می‌داند که صالح و عاقل نبوده‌اند.



هشدار به بهره‌وری صحیح از حکومت و ریاست و پرهیز از قدرت طلبی و دعوت به خود

آنچه در رهنمودهای عبرت آموز امام خمینی (ره) باید مورد توجه قرار گیرد و از آن درس و عبرت‌های تاریخی و سیاسی ذخیره راه امروز و آینده شود، تشبیه و تمثیل زیبایی است که از صاحبان قدرت فاقد عقلانیت مطرح می‌شود.

امام خمینی (ره) با یادآوری از شخصیت والای فقیه مجاهد آیت الله شهید سید حسن مدرس و سخنان حکیمانه‌ای که با تمثیل و تشبیه می‌آمیخت و خطاب به عنصر قدرت طلب و جنایتکاری چون رضاخان بر زبان صریح و تیز و قاطع خود جاری می‌کرد، از تمثیل گاو شاخ‌دار و بی‌عقل بهره می‌برد و آن را با عملکردهای رضاخان و محمدرضاخان منطبق می‌سازد.

در این تمثیل، صاحبان قدرت و حکومت در صورتی که از عقلانیت و آثار آن بی‌بهره باشند، به گاو تشبیه می‌شوند، و همچنان که گاو به علت نداشتن عقل، از شاخ در همه جا و به صورت ابزار در هر مقابله استفاده می‌کند و از اندیشه و منطق و برهان و استدلال که از آثار عقل می‌باشد هیچ نشانه‌ای در عملکردش مشاهده نمی‌شود، حاکمان قدرت طلب نیز که همه چیز را در نفسانیت خود محدود می‌کنند و قدرت و حکومت را همچون بت به پرستش در می‌آورند، در اوج خودکامگی و بلند پروازی همانند گاو شاخ‌دار و بی‌عقل هر چه را که سر راه بیابند نابود می‌کنند!

امام خمینی (ره)، بسیار صریح و آشکار، رضاخان و پسرش را گاوهای شاخ‌دار و بی‌عقل می‌داند و این دو عنصر را از اذنان و دنباله‌های تمام قدرت طلبان فاقد صلاحیت در طول تاریخ معرفی می‌کند که اسلحه به دستشان افتاد و چون از عقلانیت بهره نداشتند کشتار به راه انداختند.

امام خمینی (ره) اسلحه را در صورتی دارای کاربرد سالم و سازنده می‌داند که به دست افاضل بیفتد، نه آن که در تصاحب اراذل درآید که استفاده غیر انسانی و خلاف عقل از آن می‌کنند و وارستگان و آزادگان را فرق می‌شکافند و سینه می‌درند و از گردونه حکومت صالحان در همه مقاطع تاریخ خارج می‌کنند.

در نگاه ژرف و حقیقت بین امام خمینی (ره)، همه جنایتکاران در تمام اعصار و زمان‌ها و از جمله در دوره سلطه رژیم پهلوی، اهرم‌های حکومت و ریاست و نیز قدرت نظامی و تسلیحاتی را در خلاف مسیر عقل صحیح و اصول و معیارهای متصل به حقایق الهی به بهره‌وری رساندند و چنانچه صاحبان حکومت، در امروز و فردای تاریخ، بخواهند از عملکردهای جنایت بار آنان فاصله بگیرند.

سپس از دوره رضاخان که سرسلسله دودمان جنایتکار و سیاه روی پهلوی می‌باشد، و همچنین از جنایات پسرش محمدرضا، این گونه یاد می‌کند:

این خونریزی‌هایی که در این پنجاه سال که ما یاد داریم و چه تلخی‌ها در ذائقه ما هست از این پنجاه سال... تمام قضایایی که در این پنجاه سال سلطنت غیر قانونی این روسیاه‌ها منعقد شده است... ما که سنمان به کهولت رسیده است مشاهده این سیاه‌بختی‌های مردم و این جنایات و این کشتارهایی که این قداره‌دارهای غیر صالح انجام دادند (بودیم) ... بعد از آن که آن شخص را، آن آدم سیاه رو را، رضاخان را، از ایران بیرون کردند، در رادیوی دهلی گفتند که ما این را آوردیم سرکار و چون خیانت کرد حالا بردیمش. رضاخان را از اول انگلیسی‌های جنایتکار، انگلیسی‌های غیر صالح که اسلحه در دستشان بود، رضاخان را اسلحه‌دار کردند، و این آدم ناشایسته بی‌اصل را با اسلحه آوردند و مسلط کردند بر مردم و چه جنایاتی در این مدتی که آن مرد سیاه رو روی کار بود (واقع شد که) نمی‌شود تشریح کرد. نمی‌توانیم آن تلخی‌های آن روزها را برای شما تشریح کنیم ... افاضل باید اسلحه‌دار باشند، اگر اسلحه در دست ناصالح باشد، آن وقت این مفساد از آن پیدا می‌شود(۹).

حضرت امام خمینی (ره) سپس به برخی از جنایات رضاخان از جمله مبارزه با حجاب زنان، کشتار فجیع مسجد گوهرشاد، خلع لباس از روحانیت، دستگیری و تبعید و زندان و اعلام علمای اسلام، به تداوم این جنایات در دوره حکومت پسرش محمدرضا اشاره می‌کند و او را نیز شاخ‌دار بی‌عقل می‌نامد و درباره برخی از جنایات او همچون ۱۹ دی و کشتار روحانیون و مردم و نیز کشتار ۱۵ خرداد چنین می‌فرماید:

شماها هم که مبتلای به این شاخ‌دار بی‌عقل شدید ... گمان نکنید... که یک آدم بدون اذن شاه ... رییس نظمی قم، رئیس سازمان (ساواک) قم، پلیس قم، یک همچو جرأتی داشته باشد که مردم کشتی کند ... تصریحا خود این خبیث باید دستور بدهد که بزنید. پانزده خرداد را خود این خبیث از قراری که گفتند در طیاره، در هلیکوپتر، چرخ می‌زده و فرمان می‌داده که به لشکرهای خارجه دنیا (۱۰) لشکرهایی که هجوم آوردند به ایران، به آنها حمله کنند(۱۱)!

از جمله هشدارهای امام خمینی (ره) این بود که زمامداران اسلامی اگر بخواهند به بیراهه نیفتند و به نام دین بر ضد دین حرکت نکنند، باید از قدرت و ریاست استفاده صحیح کنند تا به این وسیله فاصله و گسستی بین قدرت و عقلانیت به وجود نیاید. امام خمینی (ره) زمامداران اسلامی را متواضعانه مخاطب قرار می‌دهد و می‌فرماید: تقاضا دارم که از این چیزی که برخلاف رضای خداست و بر خلاف رضای اولیای اسلام است و بر خلاف رضای ملت است، اجتناب کنید. این دنیا چند روزش آمده پیش شما. این را خدمت کنید تا آبرومند باشید پیش خدا(۱۲).

امام خمینی (ره) با این هشدار و بیدار باش که: این را باید انسان توجه بکند به اینکه این چند روز می‌گذرد، این ریاست‌ها می‌گذرد... (۱۳)، وسوسه‌ها و اغواگری‌های شیطان را در عرصه مدیریت‌های کلان سیاسی خطرناکتر می‌دانند و از جمله در سخنان ذیل هشدار می‌دهند:

... وسوسه می‌کند که تو حالا صاحب قدرت هستی... دیگران چکاره‌اند؟ شما حالا وزیر هستید، دیگران باید اطاعت بکنند، چشم بسته باید اطاعت بکنند! شما وکیل هستید، دیگران باید از شما اطاعت بکنند و چشم بسته هم باشند! این همه برای این است که انسان خودش را نساخته ... (۱۴) و به این ترتیب، صاحب قدرت بودن و انتظار اطاعت محض و چشم بسته از خویش داشتن، در هر کدام از قوای سه گانه و توسط هر زمامدار و کارگزار حکومتی، به همان تهدید و خطری می‌انجامد که قدرت را از پیوند و تعامل با عقلانیت باز می‌دارد و به مرور انقلاب بزرگ و شکوهمند اسلامی و نظام حکومتی برخاسته از آن را با آفات و موانع برای تداوم راه با اهداف نخستین، که قدرت و حکومت به صورت ابزار و نه هدف و برای تدبیر صحیح و راهبرد همه جانبه جامعه و کشور و نه برای دعوت به خود و دستیابی به مطامع سیاسی و گروهی می‌باشد، دور می‌دارد و این هشدار است که امام خمینی (ره) به طور مکرر دادند و رفتند، و ما مانده‌ایم و پایبندی به آنها، و این واقعیتی است که باید آن را در عمل مشاهده کرد، نه در شعار و تظاهر و حرف و سخن مکرر و بدون پشتوانه.

پاورقی

۱. وصیت نامه الهی، سیاسی امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۰۱
۲. همان منبع، ص ۴۰۱
۳. همان منبع، ص ۴۰۲
۴. غیرالحکم، موضوعی، ص ۱۶۰، باب العقل، ص ۱۴۰، روایت ۱۴
۵. همان منبع، روایت ۲۵
۶. همان منبع، ص ۱۴۳، روایت ۶۰
۷. مقصود دانشمند و طبیب و مبتکر بزرگ جهان اسلام، مرحوم ابوعلی سینا می‌باشد.
۸. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۹۷ و ۲۹۸
۹. همان منبع، ص ۲۹۸ و ۲۹۹
۱۰. این سخنی است طنز آمیز از امام خمینی (ره) که اشاره‌ای است به ادعای مضحک رژیم سفاک پهلوی مبنی بر این که مردم به خاسته در قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ لشکرهای خارجی و بیگانه می‌باشند.
۱۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۰۱
۱۲. همان منبع، ج ۱۳، ص ۲۰۴
۱۳. همان منبع، ص ۲۰۵
۱۴. همان منبع، ص ۱۹۸